



جماعتی که جهنم سوزان هم از دست آنان فریاد می زند!

دیدید گاهی وزنه بردارها برای این که نفسی بگیرند، فریادی می زنند و فغانی سر می دهند تا آن وزنه را بردارند. بعضی از بزرگان در این زمینه هم همان تمثیل را زدند و گفتند: مثلش، مثل کسی است که بخواهد وزنه سنگینی را بلند کند، نمی تواند، تلاش می کند و آخر فریادی می زند.

دیدید گاهی وزنه بردارها برای این که نفسی بگیرند، فریادی می زنند و فغانی سر می دهند تا آن وزنه را بردارند. بعضی از بزرگان در این زمینه هم همان تمثیل را زدند و گفتند: مثلش، مثل کسی است که بخواهد وزنه سنگینی را بلند کند، نمی تواند، تلاش می کند و آخر فریادی می زند.

به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از روابط عمومی حوزه علمیه امام مهدی (عج)، دویست و یازدهمین جلسه اخلاق آیت الله روح الله قرهی مدیر این حوزه با موضوع «#171؛ ریا» برگزار شد که مشروح آن در پی می آید:

ضجه های وحشتناک در جهنم

یکی از جاهای بسیار دردناک برای انسان ها، دوزخ است. در باب نار و دوزخ نکاتی تبیین شده است که انسان وحشت می کند.

سید رضی (اعلی الله مقامه الشریف)، آن آیت عظمی، آن که نهج البلاغه را جمع آوری کرده است، چه نکته بسیار عجیبی را راجع به جهنم بیان می فرماید. ایشان می فرمایند: هر موقع آیات و روایات جهنم را مرور کردم، گرچه حقایقش بیش از آن است که انسان می خواند، اما نبود که بدمن نلرزد، حتی گاه به واسطه آن خواندن مدهوش می شدم!

نه تنها ایشان، بلکه بسیاری از اولیاء الهی، بزرگان و اعظم بیان کرده اند: وقتی خصوصیات جهنم و اهل نار را می خواندند و می شنیدند، طاقت نمی آوردند.

آیت الله العظمی آسید ابوالحسن اصفهانی (اعلی الله مقامه الشریف) فرمودند: من کمتر راجع به جهنم مطالعه دارم. سؤال کردند: چطور؟ فرمودند: این مطالب به قدری وحشتناک است که می ترسم مرور حالات جهنم، من را دچار وحشت کند!

اگر شد، یک موقع نکاتی را راجع به خصوصیات اهل عذاب، در حدی که بتوانیم، عرض خواهیم کرد اما عجیب است یک قسمی هستند که اهل جهنم از دست آن ها ناله می زنند. دیگران از آتش جهنم هراسناک هستند و آن ها که در آتش جهنم رفته اند، ضجه ها، ناله ها و فغان ها دارند.

یکی از مطالبی که راجع به شیاطین جن بیان کرده اند، این است که آن ها می سوزند، اما خودشان عاملان عذاب در جهنم هستند.

در روایات بیان می شود: اگر کوچک ترین ضجه های اهل جهنم به گوش اهل تقوا در بهشت پروردگار عالم بخورد، مدهوش می شوند؛ یعنی به قدری ضجه های وحشتناکی در جهنم هست که با این که اهل جنت نمی بینند در جهنم چه خبر است، اما است وقتی آن ها را می شنوند، مدهوش می شوند!

مسبب فریاد آتش جهنم

اما عجیب است در روایت داریم، جهنم با این حال وحشتناکش، از یک قشر ناله می زند و ضجه می کند که آن ها هم اهل ریا هستند. حال بد ریاکاران عالم عامل می شود که هم جهنم و هم آن هایی که خود در جهنم هستند و ضجه می زنند، به واسطه این اهل ریا، ضجه مضاعفی داشته باشند.

پیغمبر اکرم، خاتم رسل، حبیب خدا، محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) بیان می فرمایند: «#171؛ إِنَّ النَّارَ وَ أَهْلَهَا يَعْجُونَ مِنْ أَهْلِ الرِّيَاءِ» به درستی که دوزخ و اهل دوزخ از اهل ریا ضجه می زنند و فریاد برمی آورند - «#171؛ يَعْجُونَ» یعنی فریادی از عمق وجود؛ لذا «#171؛ إِنَّ النَّارَ وَ أَهْلَهَا يَعْجُونَ» یعنی آتش و اهل آتش از عمق وجودشان ناله می زنند - پس این که اهل نار از دست اعمال خودشان ناله می زنند و عذاب می کشند، یک طرف، اما از اهل ریا هم فریاد می زنند!

#171؛ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ كَيْفَ تَعْجُ النَّارُ از حضرت سؤال شد: یا رسول الله! ناله و فریاد و فغان جهنم چگونه است؟ چطور آتش عذاب الهی، ضجه و فریاد می زند؟ یا به تعبیر دیگر، مگر اهل نار چه کرده اند که عامل برای فریاد و فغان جهنم می شوند؟

171#& قَالَ مِنْ حَرِّ النَّارِ الَّتِي يُعَذَّبُونَ بِهَا - خیلی دردناک است! این روایت به تعبیر آیت‌الله قاضی (اعلی الله مقامه الشریف)، آن عارف بزرگوار، یکی از روایات صعبیه و سخت است - نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: به خاطر حرارت بیش از حدی که به خاطر عذاب اهل ریا برای این آتش به وجود می‌آید؛ آتش جهنم داد می‌زند!

دیدید گاهی وزنه‌بردارها برای این که نفسی بگیرند، فریادی می‌زنند و فغانی سر می‌دهند تا آن وزنه را بردارند. بعضی از بزرگان در این زمینه هم همان تمثیل را زدند و گفتند: مثلاً، مثل کسی است که بخواهد وزنه سنگینی را بلند کند، نمی‌تواند، تلاش می‌کند و آخر فریادی می‌زند.

می‌فرمایند: آتش جهنم و اهلش - آن هم جهنم، با آن توصیفاتی که کردیم و این مطالبی که از اوّل بحث تا به این‌جا عرض کردیم که بعضی‌ها گفتند: حتی نمی‌توانند روایاتش را بخوانند - به فریاد در می‌آیند و ناله و فغان سر می‌دهند از اهل ریا، 171#& إِنَّ النَّارَ وَ أَهْلَهَا يَعِجُونَ مِنْ أَهْلِ الرِّيَاءِ».

ظاهراً جهنم باید برای اهل ریا بیشترین حرارت و بیشترین قوّت و قدرتش را خرج کند. لذا جهنم به صدا و فریاد درمی‌آید که باید در حرارت خودش، تولید مضاعف کند.

عذاب معذب!

حرارت جهنم چیست؟ در این زمینه فقط نکته‌ای را عرض می‌کنم، گفته‌اند: اگر قطره‌ای از آتش جهنم بر آسمان‌ها و زمین بریزد، همه چیز ذوب می‌شود. حال، چیست آن آتش که یک قطره‌اش آسمان‌ها و زمین را ذوب می‌کند؟! معلوم می‌شود قدرت بسیار عجیبی در سوزاندن دارد که یک قطره‌اش این‌گونه است. حالا اگر انسان در این آتش بیفتد، چه از او می‌ماند؟!

در این زمینه روایاتی در نزهت النواظر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبّاس قمی (اعلی الله مقامه الشریف) وجود دارد که می‌فرمایند: فردی که در جهنم است، هفتاد سال معذب است و طول می‌کشد بالا بیاورد. تازه وقتی بالا می‌آید، دوباره یک ضربه می‌زنند و مجدّد هفتاد سال معذب است و ...، قیامتی است! وحشتناک است! اصلاً نمی‌شود توصیف کرد!

آن وقت این جهنم خودش از اهل ریا، آن هم به خاطر گرمای آتشی که ریاکاران با آن عذاب می‌شوند، به ناله و فریاد در می‌آید! چقدر ریا بد است.

برای همین است که انسان باید در همه اعمال خود مراقب باشد و ببیند جدّی برای خداست یا خیر. اگر برای خداست، عالم ببینند، عیبی ندارد اما اگر برای غیر خداست، شریکی در عمل خود قرار داده و باید بترسد از این که به عذابی معذب شود که آن عذاب به آن معذب می‌شود؛ یعنی به آتش جهنمی معذب می‌شود که آن آتش جهنم از عذاب او معذب می‌شود. چیست که آتش جهنم هم صدایش درمی‌آید؟! بیچاره‌کننده است! هلاکت‌آور است! با انسان چه می‌کند؟! برای همین به ما گفتند مواظبت کنید.

حالت چهره ریاکار در قیامت

شقوق ریا تبیین شده است که یک مورد آن شهرت‌طلبی است. پیغمبر اکرم، خاتم رسل، محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) بیان فرمودند: 171#& مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ يُرِيدُ بِهِ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْتِمَاسَ شَيْءٍ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهُهُ مُظْلِمٌ لَيْسَ عَلَيْهِ لَحْمٌ وَ رَجَهُ الْقُرْآنُ فِي قَفَاهُ حَتَّى يُدْخِلَهُ النَّارَ وَ يَهْوَى فِيهَا مَعَ مَنْ يَهْوَى - این روایت دارد یکی از حالات ریا را تبیین می‌کند - حضرت فرمودند: هر کس برای شهرت‌طلبی و این که آوازه‌اش به گوش دیگران برسد و برای به دست آوردن چیزی (یعنی خدای ناکرده دین و قرآن به عنوان ممرّ درآمد او باشند)، قرآن بخواند، وقتی روز قیامت به دیدار پروردگار عالم می‌آید، صورتش گوشت ندارد (یعنی یک اسکلت خالی است) - دیدید حالت اسکلت خالی چقدر وحشتناک است! باید از این مسئله بترسیم -

پس دلیل این که جهنم از این اهل ریا ناله می‌زند، این است: چون وقتی عمل برای غیر خدا شد، ولو به صورت ظاهر، زیبا هم باشد، اثر وضعی آن در اهل حقیقت - که جهنم اهل خودش را می‌شناسد - این است که آن صدای خوش، دیگر خوش نیست و برای همین است که جهنم هم به صدا درمی‌آید.

به فضل الهی اگر راجع به قیامت و حالات قیامت بحثی پیش آمد، عرض می‌کنیم که در باب حشر انسان‌ها در قیامت، حالات مختلفی وجود دارد. یکی به چهره خود انسان می‌آید؛ یعنی معلوم است او انسان طاهر، پاک و الهی بوده است. چهره یکی، چهره انسان است، اما دو شاخ در روی سر دارد - که در روایات توضیح داده‌اند که چه خصلتی باعث شده این‌طور شوند - بعضی هم هستند که با این که

چهره انسانی دارند اما پوزه‌شان، مثل پوزه سگ است - اولیاء خدا روایات و مطالبی را برای ما تشریح کردند و اوصافی را در این باره گفتند که وحشتناک است! - یکی هم همین است که پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: بدن ریاکار گوشت دارد، حرکت می‌کند اما صورتش گوشت ندارد؛ یعنی استخوان خالص و اسکلت است!

شهرت؛ دردناک‌ترین لحظه اولیا

بعد حضرت در ادامه می‌فرمایند: «وَرَجَعُ الْقُرْآنُ فِي قَفَاهُ حَتَّى يُدْخِلَهُ النَّارَ وَ يَهْوَى فِيهَا مَعَ مَنْ يَهْوَى»، همین‌طور که این شخص ریاکار دارد می‌آید، قرآن کریم و مجید الهی مدام پس گردن او می‌زند؛ چون قرآن را با صدای خوش ولی برای ریا خواند که به دیگران بگوید: ببینید من هم هستم! انسان باید خیلی مواظب باشد.

آنقدر قرآن پس گردنش می‌زند تا این که در آتش جهنم داخل شود - به نظر بعضی از بزرگان و اولیاء خدا، اولین ضربه‌ای که زده می‌شود، «إِنَّ النَّارَ وَ أَهْلَهَا يَعْجُونَ مِنْ أَهْلِ الرِّيَاءِ» همین جاست که جهنم ناله می‌زند! - که در آن جا با کسانی که هوی و هوس داشتند، محسوس می‌شود؛ یعنی حشر و نشرش با اهل هوی و هوس است.

آیت‌الله مولوی قندهاری(اعلی الله مقامه الشریف)، آن کنز خفیّ الهی، نکته بسیار عالی را بیان فرمودند. ایشان فرمودند: موقعی که خدا می‌خواهد اولیائش را امتحان کند، گاهی آن‌ها را به شهرت مبتلا می‌کند. لذا دردناک‌ترین لحظه برای اولیاء خدا همان لحظه شهرت است.

آن‌ها به قدری مخفی بودن و عشق‌بازی با پروردگار عالم را دوست دارند که می‌خواهند تمام اعمالشان بین خودشان و خدای خودشان باشد، طوری که هیچ احدی از حال آن‌ها با خبر نباشد؛ یعنی یک عشق‌بازی حقیقی بین خودشان و پروردگارشان دارند. لذا آن لحظه‌ای که شهره می‌گردند، چنان ناله و فغان می‌کنند - ولو ابتلا و امتحان الهی است - که از هیچ چیز دیگر ناله و فغان نمی‌کنند؛ چون می‌ترسند یک موقعی همان شهرت، نعوذبالله، نستجیربالله عامل برای ریا شود!

هشدار برای اهل مسجد!

روایت دیگری راجع به حالات اهل ریا در دوزخ بیان می‌کنند که انسان به شدت می‌ترسد و وحشت می‌کند. پیامبر عظیم‌الشأن، خاتم رسل، محمد مصطفی(صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: «أَنَّهُ يَأْمُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِرَجَالٍ إِلَى النَّارِ فَيَقُولُ لِمَالِكٍ قُلْ لِلنَّارِ لَا تُحْرِقِي لَهُمْ أَقْدَامًا فَقَدْ كَانُوا يَمْشُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ وَ لَا تُحْرِقِي لَهُمْ أُيْدِيًا فَقَدْ كَانُوا يَرْفَعُونَهَا إِلَى الدُّعَاءِ فَيَقُولُ مَالِكٌ يَا أَشْقِيَاءَ فَمَا كَانَ خَالِكُمْ فَيَقُولُونَ كُنَّا نَعْمَلُ لِقَبْرِ اللَّهِ فَقِيلَ لَنَا خُذُوا ثَوَابَكُمْ مِمَّنْ عَمِلْتُمْ لَهُ». این روایت توصیفی می‌کند که برای ما مسجدی‌هاست. بسیار وحشتناک و دردآور است! باید مواظبت و دقت کنیم.

می‌فرمایند: وقتی افرادی را به آتش می‌افکنند، امر پروردگار به مالک دوزخ این است که «قُلْ لِلنَّارِ» به این آتش بگو: پاهای این‌ها را نسوزاند؛ «أَقْدَامًا فَقَدْ كَانُوا يَمْشُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ» چون با این پاها به مسجد می‌رفتند. «وَ لَا تُحْرِقِي لَهُمْ أُيْدِيًا» دست‌هایشان را هم نسوزاند، «فَقَدْ كَانُوا يَرْفَعُونَهَا إِلَى الدُّعَاءِ» چون این‌ها دست‌هایشان را به سوی من برای دعا بالا می‌بردند. «وَ لَا تُحْرِقِي لَهُمْ أَلْسِنَةً فَقَدْ كَانُوا يُكْتَرُونَ تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ» زبان آن‌ها را هم نسوزاند چون با آن قرآن را بسیار تلاوت می‌کردند و

مدام این‌ها را می‌گوید، نهایتاً آتش تعجب می‌کند که خدایا! این‌ها را آوردی اما می‌گویی پایشان را نسوزانم، دستشان را نسوزانم و ...!

لذا نوع سوختن آن‌ها متفاوت است. صاحب و مالک جهنم به آن‌ها خطاب می‌کند: ای اشقیاء! چه کردید؟ «فَمَا كَانَ خَالِكُمْ» شما چه حالی داشتید؟ چرا ذوالجلال و الاکرام این‌طور امر می‌کند که پاهای شما را نسوزانم، دستانتان را نسوزانم، زبانتان را نسوزانم و ...؟! این چه حالی است؟!

می‌گویند: «كُنَّا نَعْمَلُ لِقَبْرِ اللَّهِ» ما عمل کردیم برای غیر خدا. «فَقِيلَ لَنَا خُذُوا ثَوَابَكُمْ مِمَّنْ عَمِلْتُمْ لَهُ» پس به ما گفته شد: ثوابتان را از آن کسی بگیرید که برایش عمل کردید!

پس آن‌ها را به دردناک‌ترین عذاب، عذاب می‌کنند. عذاب آن‌ها از طریق مقعد است. آن‌ها به عذابی دچار می‌شوند که ناله و فغان بسیاری می‌زنند، بعد سالم می‌شوند اما مجدّد به عذاب دچار می‌شوند و چنان فریادی می‌زنند که بیان کردند اهل جهنم از حال این‌ها به صدا در می‌آیند.

بیان می‌کنند: اهل آتش از فغان این‌ها وحشتناک فریاد می‌زنند؛ یعنی با این که خود آن‌ها هم دارند عذاب می‌شوند اما از فریاد این‌ها به فریاد درمی‌آیند. این چه فریادی است؟!

شاخصه بارز ریاکار

لذا بیان کردند خیلی مواظب باشید، حالات را ببینید. **إِنَّ شَاءَ اللَّهِ** به فضل الهی در جلسه آینده، علامات اهل ریا را عرض می‌کنیم. در خودمان فرو برویم، ببینیم آیا این علامات را داریم یا خیر.

یکی از آن علامات - که الآن عرض کنم تا مقدمه برای جلسه بعد شود - این است: اهل ریا در خلوت نسبت به اعمال سست هستند. در مقابل دیگران نماز می‌خوانند، آن هم چه نمازی! اما در خلوت ... به جای این که ضجه، ناله، فغان و خدا خدایشان در خلوت بیش از موقعی که در عموم است باشد، برعکس است.

اما اولیاء الهی این‌طور نیستند. اولیاء الهی در موقع خلوت چون کسانی که مادرمرده‌اند، ناله و فغان دارند! عرض کردم من این نوع افراد را دیده بودم. گرچه سعی می‌کردند مخفی از ما باشد، اما ما آن‌ها را پنهانی در دل شب دیده بودیم که چه فغانی می‌کردند!

یک موقعی ما با آیت‌الله مولوی قندهاری (اعلی الله مقامه الشریف)، آن کنز خفی الهی از مشهدالرضا می‌آمدیم، در بین راه دو امامزاده را هم - چون ایشان امامزاده‌ها را خیلی دوست داشتند - زیارت کردیم، تا به قدمگاه رسیدیم. شب بود، ایشان فرمودند: شما این‌جا باشید، من می‌روم.

من آقا را دنبال کردم. این پیرمرد، این چهار پاره استخوان، مثل آن کسی که فرزندی از دست داده است، چنان حال فغانی داشت و ضجه‌هایی در آن دل بیابان می‌زد که گویی دارند او را قطعه قطعه می‌کنند. حال ایشان، تغییر حال در من به وجود آورد و با این که سعی می‌کردم خودم را کنترل کنم، فریادی زدم و ایشان متوجه حضورم شدند. مردان خدا اینگونه هستند، چه حال خوشی دارند.

اما از علامات مرائی این است که در خلوت این‌طور نیست. عوض این که دل شب قیام کند، اهل نماز، شب‌خیزی و خلوت با خدا باشد، اما این‌طور نیست. در حالی که خلوت با خدا و عشق‌بازی با پروردگار عالم برای اهل تقوا بسیار زیبا است!

پس یک شاخصه ریا این است. هر کس می‌تواند در درون خودش فرو برود و ببیند جدی چگونه است. با خود بگوید: آیا من که دائم دم از اطاعت از خدا و ولی امر مسلمین می‌زنم، واقعاً مطیع اوامر خدا و ولی امر مسلمین هستم یا خیر. من که می‌گویم اهل عبادتم، ببینم واقعاً هستم یا نعوذبالله، نستجیربالله اهل ریا هستم.

حتی وجود مقدس حضرت صادق القول و الفعل، امام جعفر صادق (صلوات الله و سلامه علیه) در مورد صلاه می‌فرمایند: **171#& يُجَاءُ بَعْدَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَدْ صَلَّى** فردای قیامت کسی را می‌آورند که نماز می‌خوانده است، **171#& فَيَقُولُ يَا رَبِّ صَلَّيْتُ ابْتِغَاءَ وَجْهِكَ** می‌گوید: خدا من نماز خواندم برای رضایت و خشنودی تو. **171#& فَيُقَالُ لَهُ بَلْ صَلَّيْتَ لِيُقَالَ مَا أَحْسَنَ صَلَاةَ فُلَانٍ** - وامصیبتا! - اما به او گفته می‌شود: تو نماز می‌خواندی که بگویند فلانی چه نماز خوبی خواند. بعد خطاب می‌شود: **171#& اذْهَبُوا بِهِ إِلَى التَّارِ** او را به سوی جهنم ببرید!

لذا به خودمان مراجعه کنیم ببینیم جدی اعمالمان برای خدا هست یا خیر. برای خدا سخن می‌گوییم یا خیر، برای خدا قیام می‌کنیم یا خیر، برای خدا می‌نشینیم یا خیر، برای خدا خشم می‌کنیم یا خیر، برای خدا مهربانی می‌کنیم یا خیر.

کدام عمل، ریا نیست؟

خصوصیت اولیاء خدا این است که همه کارهایشان برای خداست. برای آن‌ها فرقی نمی‌کند، اگر همه با آن‌ها مخالفت کنند، آن‌ها آن عمل را برای خدا انجام می‌دهند؛ اگر همه به آن‌ها، احسنت و بارک الله هم بگویند، باز هم برای خدا انجام می‌دهند.

امام (اعلی الله مقامه الشریف) فرموده بودند: اگر همه به من مرگ هم بگویند، با الآن که همه درود می‌گویند، برای من یکسان است و فرقی نمی‌کند.

مردان خدا مثل امام راحل (اعلی الله مقامه الشریف) این‌گونه‌اند. مردم جمع می‌شدند و مدام به ایشان درود می‌گفتند، اما ایشان می‌فرمایند: اگر - نعوذبالله - یک موقعی مرگ هم می‌گفتند، برای من فرقی نمی‌کرد.

البته این امت نشان داد وفادارترین امت‌هاست. این که خود امام(اعلی الله مقامه الشریف) فرمودند: حتی در صدر اسلام هم این امت را نداشتیم، جدی نشان داده شد و بعد از امام(اعلی الله مقامه الشریف) هم دیدیم که مردم به امام المسلمین (حفظه الله تعالی) هم وفادار بودند و فریاد می‌زدند: «خونی که در رگ ماست، هدیه به رهبر ماست«، اما این مرد الهی با این که دست تکان می‌دهد و لبخندی به لب دارد اما در درون خودش مدام به خودش خطاب می‌کند: علی! مواظب باش، الآن خدا تو را بالا برده است، اما اگر مرگ هم به تو گفتند، باید برای تو یکسان باشد (به یقین برای من معلوم است که این حال درونی این مرد خداست).

مردان خدا این‌گونه هستند، نه درود آنها را تکان می‌دهد و نه مرگ. مثلاً این که مردم مدینه حتی جواب سلام وجود مقدس امام مجتبی(علیه الصلوة و السلام) را هم نمی‌دادند و یا اگر جواب هم می‌دادند، می‌گفتند: «و علیک السلام یا مذلّ المؤمنین«، فرقی برای حضرت نمی‌کرد. البته حضرت ناراحت میشدند اما نه برای خودشان که چرا به من این‌گونه گفتند، بلکه برای این که چرا این‌ها نمی‌فهمند و در صراط نیستند - این را یقین بدانید. من دارم کلیدواژه می‌دهم - آنها هیچ‌گاه برای خودشان ناراحت نمیشدند که چرا به ما اهانت میکنند، بلکه ناراحت می‌شدند که چرا این‌ها راه را گم کردند.

پس ما باید ببینیم چه حالی داریم و الا ما را می‌برند و گرفتار میشویم. حال این که «چه کنیم؟« را در جلسات آینده عرض میکنیم، البته باید بدانیم بعضی چیزها ریا نیست که به فضل الهی آن‌ها را هم عرض میکنیم.

یک کد اصلی به شما بدهم، خلاص کلام در مورد آن چیزهایی که ریا نیست، این است: آن چه برای خدا باشد، حتماً بدانید ریا نیست. این را چه کسی می‌فهمد؟ این را خودمان بهتر از دیگران می‌فهمیم. هر کس بهتر از دیگری میتواند تشخیص دهد که این برای خداست یا برای نفس است؛ اگر برای خداست چه عالم بفهمند و چه نفهمند، مهم نیست. پس جدی به خودمان مراجعه کنیم.

ماه شست‌وشوی گناهان

عزیزان! ماه رجب المرجّب، ماه استغفار است - مطلبی بگویم که حیفم می‌آید نگویم - ماه رجب المرجّب، ماه شست‌وشوی گناهان است و ماه شعبان المعظم ماه پوشیدن لباس تقواست که می‌خواهیم بعد از آن به مهمانی ماه مبارک رمضان برویم، «دَعِیْتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَافَةِ اللَّهِ«.

اگر مثلاً کسی را که شغلش مکانیکی است، به یک مجلس عروسی دعوت کنند، با همان لباس روغنی به مجلس نمی‌رود، بلکه به منزل می‌رود، دوش می‌گیرد، خود را می‌شوید، بوی تعفن و روغن را از خودش دور میکند، لباس را عوض می‌کند و لباس نو می‌پوشد؛ آن وقت به مهمانی می‌رود. حتی اگر در بین راه، ماشینی رد شود و آب‌های گلی را به لباس او بریزد، با آن لباس به مجلس عروسی و شادی نمی‌رود، دوباره برمیکرد و می‌گوید: با این لباس زشت است.

حال، پروردگار عالم دارد ما را دعوت می‌کند. ماه مبارک رمضان، ماه مهمانی خدا و ماه عشق‌بازی با خدا دارد می‌آید. چه کسانی می‌توانند در آغوش ماه مبارک بروند؟ کسانی که خودشان را شسته‌اند، لباس تقوا را پوشیده‌اند و خوش‌بو، زیبا و خوش‌لباس شده‌اند. ماه مبارک آن‌ها را تا اوج میبرد، «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ«، این حال خوش بندگان خداست.

جوان‌های عزیز! ماه مبارک رمضان را از رجب مواظبت کنیم و از دست ندهیم. روزه‌های این ماه چقدر زیباست، روایاتی را راجع به رجب المرجّب آورده بودم که غوغاست، اما وقت گذشت.

رجب المرجّب آمده است. بیاییم با امام زمانمان همگام باشیم. آقاچنانمان روزه می‌گیرد، ما هم روزه بگیریم، آقاچنانمان طلب استغفار میکند، اما برای من و شما. ما هم استغفار کنیم. بگوییم: خدایا! ما نفهمیدیم، راه را تشخیص ندادیم، حرف تو را گوش نکردیم، حرف قرآن را گوش نکردیم، حرف پیغمبرت را گوش نکردیم، حرف امامان و اولیاء را گوش ندادیم، حرف دوستداران و دلسوزانمان را گوش ندادیم، گناه ما را با خودش برد، هوی و هوس، نفس اماره و منیّت‌ها ما را با خودش برد، گوشمالی پیغمبرت و معصومین و اولیاء در ما اثر نکرد و ...

برای همین در ماه مبارک رمضان عرض کردم که این دعای روز اول ماه را در طول ماه مبارک همیشه بخوانید: «اللّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ وَ قِيَامِي فِيهِ قِيَامَ الْقَائِمِينَ وَ تَبَهُّنِي فِيهِ عَنْ تَوَمَّةِ الْغَافِلِينَ«، «تَبَهُّنِي« یعنی بیدار کن. دیدید وقتی میخواهند آنهایی را که بیماری صرع دارند و مدهوش میشود، به هوش بیاورند، یک آبی به صورتشان می‌زنند و بعد دو سه تا سبلی به آن‌ها می‌زنند. «تَبَهُّنِي« یعنی همین؛ یعنی ای خدا! دو تا سبلی به من بزن و من را گوشمالی بده اما خدا کند این گوشمالی در ماه رجب باشد و خدا در ماه رجب ما را بیدار کند که اگر بشود، چه میشود!

عزیز دلم! وای که یک روز رفت، اما دیر نشده، از امشب به بعد خیلی با امام زمان و آقاچانمان حرف بزنیم. بگوییم: آقاچان! نکند این ماه رجب المرجب را مفت از دست بدهیم. آقاچان! شما برای ما دعا کن.

نجس‌تر از سگ!

گفتم شب‌ها با آقاچان صحبت کنید اما این شبها بیشتر صحبت کنید. امشب به ایشان می‌گوییم: آقاچان! امروز ولادت امام باقر العلوم (صلوات الله و سلامه علیه) بود، دو روز دیگر هم شهادت جدّ مظلوم شماست که هنوز هم مظلوم است. فرمودند: «فَلْيَنْتَبِرَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا أَنْجَسَ مِنَ الْكَلْبِ وَ إِنَّ التَّاصِبَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَأَنْجَسُ مِنْهُ» کسی که سبّ ما را کند، نجس‌تر از سگ است! این درد است. آقاچان! دل شما را به درد آوردیم، یک سگ‌زاده سگ، آن‌طور اهانت و جسارت می‌کند. آقاچان! نمیدانیم به واسطه ولادت به شما تبریک بگوییم یا به واسطه جسارتی که آن ملعون کرده، تسلیت بگوییم. طبعاً این ملعون - که اسم کثیفش را هم انسان نباید بیاورد - مهدورالدم است و شکی در این نیست. حتی کسانی هم که این آهنگ را ترویج بدهند و عامد به این قضیه باشند، مهدورالدم هستند، از بین می‌روند و باید کشته شوند.

خدایا! ریشه این‌ها را بکن و قلب نازنین آقاچان را از ما راضی بگردان.

ما خیلی جفا کردیم. یک جفا این است که ائمه (علیهم صلوات المصلین) را کم یاد کردیم. شهادت‌ها و ولادت‌هایشان را کم یاد کردیم. درد است که ما نفهمیدیم با یاد کردن از حضرات معصومین (علیهم صلوات المصلین)، خودمان را بالا می‌بریم، نه آن‌ها را. ما یاد آن‌ها را فراموش کردیم و این مصیبت است!

امشب آقاچانمان را صدا بزنیم و از این رجب المرجب کمک بخواهیم.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ»